


## Assessing Economic Justice in the Policy of Eliminating Hidden Subsidies of Energy Carriers from the Perspective of Islamic Economics

Mohammad Javad Tavakoli  / Professor, Department of Economics, The Imam Khomeini Institute for Education and Research  
tavakoli@iki.ac.ir

Received: 2024/06/05 - Accepted: 2024/08/18

### Abstract


In recent decades, the concept of hidden subsidies of energy carriers has implied that fuels such as gasoline are sold at low costs to the public and consumers are given unfair hidden subsidies. Using the analytical method, this article examines the logic underlying the policy of eliminating hidden subsidies from the perspective of Islamic economics. According to the research findings, this policy contains two descriptive propositions (hidden subsidies leading to greater benefit to the rich - overconsumption), a value proposition (distributive injustice - waste of resources), and a prescriptive proposition (price liberalization - granting of open subsidies). These propositions have problems such as the false validity of subsidies, the invalidity of hidden taxes, error in highlighting consumer subsidies, and error in the theory of fair prices. This policy implicitly claims that “the fair price of items such as gasoline is the same price as in other countries or the export/import price.” This claim is inconsistent with the theory of justice in Islamic economics, because the mentioned price is not equal to the territorial and real price. Contrary to the claim made, the poor suffer more from the increase in the price of these items. Accepting this logic requires that the price of all goods and services be determined based on the price in other countries or the export/import price, which is not practically possible, especially in the case of wages. Therefore, in practice, a hidden tax is imposed.

**Keywords:** hidden subsidies, hidden taxes, economic rent, economic justice, targeted subsidy, Islamic economics.

**JEL classification:** Q41, H24, D63.

## ارزیابی عدالت اقتصادی در سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی از منظر اقتصاد اسلامی\*

tavakoli@qabas.net

محمدجواد توکلی  / استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

### چکیده

در دهه‌های اخیر، طرح مفهوم یارانه پنهان حامل‌های انرژی حاوی این ادعاست که اقلامی همچون بنزین به مردم ارزان فروخته می‌شود؛ و به همین خاطر به مصرف‌کنندگان یارانه پنهان ناعادلانه داده می‌شود. در این مقاله با روش تحلیلی به بررسی منطق استدلالی نهفته در سیاست حذف یارانه پنهان از منظر اقتصاد اسلامی می‌پردازیم. بنا به یافته‌های پژوهش، این سیاست حاوی دو گزاره توصیفی (تعلق یارانه پنهان، بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان - بیش مصرفی)، یک گزاره ارزشی (بی‌عدالتی توزیعی - اتلاف منابع) و یک گزاره تجویزی (آزادسازی قیمتی - اعطای یارانه آشکار) است. این گزاره‌ها با مشکلاتی همچون اعتبار نادرست یارانه، عدم اعتبار مالیات پنهان، خطا در برجسته‌سازی یارانه مصرفی، و خطا در نظریه قیمت عادلانه روبه‌روست. بازگشت سیاست مزبور به این ادعای پنهان می‌باشد که «قیمت عادلانه اقلامی همچون بنزین، قیمت سایر کشورها یا قیمت صادراتی/ وارداتی است». این ادعا با نظریه عدالت در اقتصاد اسلامی سازگار نیست؛ زیرا قیمت مزبور با قیمت سرزمینی و حقیقی برابر نیست. برخلاف ادعای مطرح‌شده، اقبال ضعیف ضرر بیشتری از افزایش قیمت این اقلام متحمل می‌شوند. پذیرش این منطق مستلزم آن است که قیمت همه کالاها و خدمات بر اساس قیمت سایر کشورها یا قیمت صادراتی/ وارداتی تعیین شود؛ اقدامی که به‌خصوص در مورد دستمزدها عملاً محقق نمی‌شود و در عمل مالیات پنهان گرفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: یارانه پنهان، مالیات پنهان، رانت، عدالت اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: Q41, H24, D63

\* این مقاله از حمایت فکری و مالی هفتمین کنگره علوم انسانی اسلامی بهره‌مند شده است.

در دهه‌های اخیر، سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی مورد توجه صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور بوده است. این مباحثه حتی منتهی به تصویب و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۸ با هدف رساندن قیمت‌های داخلی حامل‌های انرژی به قیمت فوب خلیج فارس شد. قیمت‌گذاری دلاری محصولات پالایشی و پتروشیمی نیز ارتباطی تنگاتنگ با همین سیاست دارد.

این سیاست عمدتاً با هدف بهبود کارایی و عدالت مطرح شد. در این زمینه سؤالات و ابهامات زیادی وجود دارد: آیا با حذف یارانه پنهان و گران‌سازی حامل‌های انرژی، شاخص‌های عدالت توزیعی و بهره‌وری بهبود می‌یابد؟ آیا تورم ناشی از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، اثر یارانه پرداختی از این محل را خنثا می‌کند؟ و اساساً، آیا قیمت‌گذاری دلاری حامل‌های انرژی با اقتضائات عدالت سازگار است.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بازخوانی سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی از منظر اقتصاد اسلامی می‌پردازیم. در این بررسی سعی می‌شود تا لایه‌های تحلیلی نهفته در ورای این سیاست استخراج و تبیین شود. هدف آن است که بررسی شود آیا اعمال این سیاست باعث بهبود عدالت اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی می‌شود؟ بنا به فرضیه مقاله، سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی، در نهایت به ادعایی در مورد عادلانه بودن قیمت‌گذاری این اقلام بر قیمت سایر کشورها برمی‌گردد؛ ادعایی که با نظریه عدالت در اقتصاد اسلامی هماهنگ نیست. بر اساس فرضیه مقاله، بسیاری از ادعاهای ضمنی نهفته در پس سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی از جمله تعلق یارانه و ناعادلانه بودن آن مخدوش است و یا حداقل اثبات نشده است.

در ادامه این بحث در چند محور «مفهوم‌شناسی یارانه پنهان»، سه معنای یارانه پنهان، بازشناسی گزاره‌های توصیفی، ارزشی و تجویزی پنهان، ارزیابی این گزاره‌ها و در نهایت نظریه عدالت توزیعی نهفته در ورای سیاست حذف یارانه پنهان ادامه می‌یابد. بخش پایانی مقاله بررسی عدالت در قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی از جمله بنزین در چارچوب نظریه عدالت در اقتصاد اسلامی است.

### پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل علمی سیاست حذف یارانه پنهان، آثار چندانی به چشم نمی‌خورد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آثار اشاره می‌شود:

۱. اقتصاد و پیله‌فروش (۱۳۹۸) با بررسی آمارهای مصرف انرژی در ایران به این نتیجه رسیدند که بخش زیادی از انرژی در بخش‌های تولیدی مصرف می‌شود.
۲. پیله‌فروش و اقتصاد (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در رسیدن به اهداف خود ناکام بوده است.

۳. بیات و دیگران (۱۳۹۸) با بررسی یارانه برق در بخش خانگی به این نتیجه رسیدند که گران کردن برق در ایران نتوانسته باعث کاهش مصرف شود.

۴. منظور و دیگران (۱۳۸۹) در بررسی اثر حذف یارانه آشکار و پنهان انرژی در ایران به این نتیجه رسیدند که این اقدام باعث کاهش سطح رفاه خانوارها، کاهش تولید می‌شود؛ صادرات انرژی را افزایش و صادرات سایر کالاها را کاهش می‌دهد؛ در مقابل واردات انرژی را کاهش و واردات سایر کالاها را افزایش می‌دهد.

۵. شاهمرادی و مهرآرا (۱۳۸۹) اثر آزادسازی کامل قیمت حامل‌های انرژی را افزایش هزینه تولید، کاهش رفاه خانوار و کاهش کسری بودجه دولت دانسته‌اند.

۶. دینی ترکمانی (۱۳۸۹) استدلال می‌کند که هدفمندی یارانه‌ها حاوی خطاهای روش‌شناختی در محاسبه یارانه پنهان و تجویز سیاست قیمتی است.

۷. محمدخانی (۱۳۹۴) به بررسی ابهامات موجود در آمارهای شدت انرژی در ایران در مقایسه با سایر کشورها پرداخته است.

آثار مورد اشاره فاقد تحلیلی آشکار در مورد استدلال‌های پنهان در پس سیاست حذف یارانه پنهان است. نوآوری مقاله حاضر، تحلیل دقیق ادعاهای پنهان در پس سیاست مزبور و نقد آنها در سه لایه گزاره‌های توصیفی، ارزشی و تجویزی است. ایجاد ارتباط بین این سیاست و نظریه عدالت در قیمت‌گذاری در رویکرد اسلامی نیز از جمله نوآوری‌های این مقاله است.

## ۱. مفهوم‌شناسی یارانه پنهان

یارانه پنهان مفهومی است که در فضای اقتصاد سیاسی ایران برای اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها وضع شده است. هرچند این اصطلاح در میان دولت‌مردان، اهالی رسانه، و مردم بسیار رایج است، ولی تعریف دقیقی از آن ارائه نمی‌شود. این مفهوم عمدتاً زائیده مقایسه قیمت داخلی و خارجی کالاها و خدمات با استفاده از مفهوم هزینه فرصت (Opportunity Cost) صادرات و واردات است. برای نمونه، ادعا می‌شود که دولت به حامل‌های انرژی از جمله بنزین یارانه پنهان می‌دهد؛ بدین معنا که بنزین در آمریکا و اروپا حدوداً لیتری ۱/۵ دلار است، ولی بنزین آزاد در ایران لیتری ۳ هزار تومان است. بر مبنای دلار ۲۸۵۰۰ تومانی، قیمت بنزین در خارج ۴۲۷۵۰ تومان و در ایران ۳ هزار تومان است؛ بر اساس این منطق، دولت به مردم روی هر لیتر بنزین ۳۹۷۵۰ تومان یارانه پرداخت می‌کند. اگر قیمت دلار را قیمت بازار آزاد در حدود ۵۰ هزار تومان در نظر بگیریم، قیمت هر لیتر بنزین در خارج ۷۵ هزار تومان خواهد شد و در این صورت دولت به افراد برای هر لیتر بنزین ۷۲ هزار تومان یارانه پنهان می‌دهد.

برداشت دیگری که از یارانه پنهان مطرح است، مقایسه قیمت داخلی با قیمت صادراتی یا وارداتی است. گفته می‌شود که قیمت فوب خلیج فارس هر لیتر بنزین حدود ۴۰ سنت است. اگر دولت بنزین را صادر کند می‌تواند آن را

به قیمت لیتری ۴۰ سنت به خارجی‌ها بفروشد. یا اگر دولت بخواهد بنزین را وارد کند، باید برای هر لیتر ۴۰ سنت پرداخت کند. اگر قیمت دلار ۲۸۵۰۰ تومان باشد؛ قیمت هر لیتر بنزین ۱۱۴۰۰ تومان خواهد بود. با مقایسه این قیمت با قیمت بنزین ۳ هزار تومانی در پمپ‌بنزین‌های داخلی، دولت روی هر لیتر بنزین ۸۴۰۰ تومان یارانه پرداخت می‌کند. اگر قیمت دلار را ۵۰ هزار تومان در نظر بگیریم، معادل قیمت خارجی بنزین لیتری ۲۰ هزار تومان خواهد شد؛ در این صورت دولت روی هر لیتر بنزین ۱۵ هزار تومان یارانهٔ پنهان به مردم می‌دهد.

جدول ۲: یارانهٔ پنهان بنزین در ایران

| یارانهٔ پنهان       | قیمت مصرف‌کنندهٔ خارجی | قیمت مصرف‌کنندهٔ خارجی      | قیمت مصرف‌کنندهٔ داخلی |
|---------------------|------------------------|-----------------------------|------------------------|
| ۳۹ هزار و ۷۵۰ تومان | ۴۲ هزار و ۷۵۰ تومان    | تومان $1/5 * 28500 = 42750$ | ۱/۵ دلار               |
| ۷۲ هزار تومان       | ۷۵ هزار تومان          | تومان $1/5 * 50000 = 75000$ | ۱/۵ دلار               |
| ۸ هزار و ۴۰۰ تومان  | ۱۱ هزار و ۴۰۰ تومان    | تومان $0/4 * 28500 = 11400$ | ۴۰ سنت                 |
| ۱۷ هزار تومان       | ۲۰ هزار تومان          | تومان $0/4 * 50000 = 20000$ | ۴۰ سنت                 |

بر اساس محاسبات جدول ۱، به مصرف‌کنندهٔ داخلی عددی بین ۸۴۰۰ تومان تا ۷۲ هزار تومان (بسته به قیمت دلاری بنزین و نرخ تسعیر دلار) یارانهٔ پنهان تعلق می‌گیرد. ادعا می‌شود که میزان بهره‌مندی افراد از این یارانهٔ پنهان یکسان نیست. کسانی که ماشین بیشتری دارند، عملاً بنزین بیشتری مصرف می‌کنند و به تبع یارانهٔ پنهان بیشتری دریافت می‌کنند. برای سادگی فردی که ماشین دارد و فردی که ماشین ندارد را در نظر بگیرید؛ اگر فردی که ماشین دارد ماهی ۵۰ لیتر بنزین مصرف کند، وی بین ۴۲۰ هزار تومان تا ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان یارانهٔ پنهان دریافت می‌کند. فردی که ماشین ندارد، از چنین یارانه‌ای محروم است. البته ممکن است بگوییم که او از خدمات فرد صاحب ماشین بهره‌مند می‌شود و با توجه به اینکه کرایه هم با توجه به این قیمت بنزین تعیین می‌شود، او هم سهمی از این یارانه را دارد؛ به این مفهوم که اگر قیمت بنزین بین ۱۱۴۰۰ تومان تا ۷۵ هزار تومان بود، فرد فاقد ماشین هم باید کرایهٔ بیشتری پرداخت می‌کرد. تعیین میزان بهره‌مندی فرد فاقد ماشین از این نوع یارانهٔ پنهان (یعنی یارانهٔ پنهان حاصل از گران نکردن قیمت بنزین) را هنگامی می‌توان محاسبه کرد که اثر افزایش قیمت بنزین بر مخارج حمل و نقل را داشته باشیم. اگر افزایش ۴ برابری تا ۲۵ برابری قیمت هر لیتر بنزین، هزینهٔ حمل و نقل و به تبع نرخ تورم مصرف‌کننده را بالا ببرد، شخص فاقد ماشین از این محل متضرر خواهد شد؛ همان‌گونه که فردی که ماشین دارد نیز از این تورم متأثر خواهد شد. اگر دولت از محل افزایش قیمت بنزین، اقدام به پرداخت یارانه کند، باید مشاهده کرد که یارانهٔ پرداختی چه میزان توان جبران دارد؛ به‌خصوص آنکه خود دولت به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نیز به‌واسطهٔ افزایش مخارجش، از این افزایش تورم متضرر خواهد شد. در قانون هدفمندی یارانه‌ها، مقرر شده بود که ۳۰ درصد منابع برای دولت، ۲۰ درصد برای تولیدکنندگان و ۵۰ درصد برای مصرف‌کنندگان به صورت یارانه پرداخت شود، ولی در عمل عمدهٔ منابع به مصرف‌کنندگان پرداخت شد؛ گذشته از آنکه یارانهٔ پرداختی، به مرور زمان و در اثر تورم ارزش خود را از دست داد؛ به‌گونه‌ای که یارانهٔ ۴۵ هزار تومانی اوایل نود در سالیان اخیر قدرت خریدش به حداکثر یک بیستم کاهش یافته است.

## ۲. لایه‌های مفهومی یارانه پنهان

تا کنون چند مفهوم از یارانه پنهان را مطرح کردیم. محور مشترک این مفاهیم این بود که یارانه تفاوت قیمت داخلی و خارجی یک کالا یا خدمت است؛ در این ادعا حداقل چهار مفهوم از یارانه پنهان قابل طرح است:

### الف) یارانه پنهان به‌مثابه مابه‌التفاوت قیمت مصرف‌کننده داخلی و خارجی

در این حالت، قیمت خارجی مصرف‌کننده در داخل و خارج مقایسه می‌شود؛ این مقایسه می‌تواند با توجه به تعدد کشورها متفاوت باشد؛ شما ممکن است قیمت داخلی یک محصول یا خدمت را با کشورهای همسایه مانند ترکیه و عراق مقایسه کنید؛ و یا آن را با کشورهای دور دست مانند ایالات متحده آمریکا یا کشورهای اروپایی مقایسه کنید.

### ب) یارانه پنهان به‌مثابه مابه‌التفاوت قیمت داخلی و صادراتی / وارداتی

نوع دیگر این مقایسه نیز مقایسه بین قیمت مصرف‌کننده داخلی با قیمت صادراتی و یا قیمت وارداتی آن مانند قیمت فوب خلیج فارس است. در این دو برداشت آنچه تفاوت قیمت را به عنوان یارانه جلوه می‌دهد، متفاوت است. در برداشت اول، این‌گونه تصور می‌شود که اگر شما می‌خواستید به فرانسه سفر کنید، باید برای یک لیتر بنزین با نرخ دلار آزاد ۷۵ هزار تومان پرداخت می‌کردید، ولی الان در ایران زندگی می‌کنید و برای یک لیتر بنزین ۳ هزار تومان پرداخت می‌کنید. در برداشت دوم، هزینه فرصت مصرف داخلی و صادرات مورد توجه عمده قرار می‌گیرد؛ برای نمونه ممکن است گفته شود که اگر ما این بنزین را به قیمت ۳ هزار تومان در داخل مصرف نکنیم، می‌توانیم آن را صادر کنیم و بابت هر لیتر ۴۰ سنت دریافت کنیم که با ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای دولت درآمد ۱۱۴۰۰ تومانی ایجاد می‌کند؛ یعنی دولت با عرضه بنزین در داخل، ۸۴۰۰ تومان ضرر کرده است؛ اگر دولت هم می‌توانست دلارش را در بازار آزاد به قیمت ۵۰ هزار تومان بفروشد؛ در آن حالت دولت با عرضه بنزین به قیمت ۳ هزار تومان به داخل ۱۷ هزار تومان ضرر کرده است؛ چون می‌توانست از محل صادرات هر لیتر بنزین ۲۰ هزار تومان درآمد کسب کند که الان فقط ۳ هزار تومان درآمد به‌دست می‌آورد.

### ج) یارانه پنهان به مفهوم مابه‌التفاوت قیمت فروش و قیمت تمام‌شده

مفهوم دیگری از یارانه پنهان نیز متصور است که در آن به هزینه تولید و یا خرید یک کالا یا خدمت توجه شود. برای نمونه ممکن است گفته شود که هزینه تولید یک لیتر بنزین برای دولت بیش از ۳ هزار تومان است. و یا ممکن است گفته شود که دولت بنزین را به قیمت لیتری ۴۰ سنت وارد می‌کند و برای تأمین دلار می‌رود از بازار آزاد دلار ۵۰ هزار تومانی می‌خرد؛ پس هزینه هر لیتر بنزین پای دولت لیتری ۲۰ هزار تومان درمی‌آید؛ دولت بنزینی که برایش لیتری ۲۰ هزار تومان تمام شده را به قیمت ۳ هزار تومان به مصرف‌کننده داخلی می‌دهد و عملاً روی هر لیتر ۱۷ هزار تومان ضرر می‌کند و یا به‌اصطلاح به افراد یارانه پنهان می‌دهد.

### د) یارانه پنهان به مفهوم مابه‌التفاوت قیمت حامل انرژی و سایر محصولات

گاهی نیز گفته می‌شود که قیمت یک لیتر بنزین کمتر از قیمت یک لیتر آب یا نوشابه است. این نوع مقایسه منطق مشخصی ندارد؛ مگر آنکه مقایسه بر اساس هزینه تولید صورت گیرد که در آن صورت، این ادعا به همان حالت قبل (توجه به تفاوت در هزینه تمام‌شده) برمی‌گردد.

جدول ۳: مفاهیم مختلف یارانه پنهان حامل‌های انرژی

| معادل مفهومی                                      | تعریف یارانه پنهان                           |
|---|--|
| قیمت سایه، هزینه فرصت مقایسه‌ای                   | تفاوت قیمت داخلی و قیمت سایر کشورها          |
| هزینه فرصت صادرات؛ هزینه واردات؛ هزینه فرصت قاچاق | تفاوت قیمت داخلی و صادراتی / وارداتی / قاچاق |
| قیمت تمام‌شده                                     | تفاوت قیمت فروش و تمام‌شده                   |
| قیمت نسبی؛ قیمت تمام‌شده                          | تفاوت قیمت با قیمت سایر محصولات              |

### ۳. بازخوانی نظریه پشتیبان سیاست حذف یارانه پنهان (استخراج گزاره‌های نهفته توصیفی، ارزشی و تجویزی)

هرچند اصطلاح یارانه پنهان انرژی به عنوان مفهومی برای توصیف واقعیت اقتصادی مطرح شده است، ولی این مفهوم بخشی از گزاره سیاستی حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی است. تجزیه و تحلیل این گزاره سیاستی، باعث استخراج نظریه پشتیبان این سیاست و یا گزاره‌های نهفته در ورای آن می‌شود.

با تحلیل گزاره‌ای سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی می‌توان بین سه لایه گزاره‌های توصیفی، ارزشی و تجویزی تفکیک کرد. گزاره‌های توصیفی بیانگر چگونگی استفاده از حامل‌های انرژی و میزان بهره‌مندی دهک‌های مختلف از عواید آن است. گزاره‌های ارزشی حاکی از ارزش داوری در مورد این وضعیت از منظر ارزش‌هایی همچون کارایی و عدالت است. گزاره‌های تجویزی نیز اقدامات پیشنهادی برای بهبود وضعیت را توصیه می‌کنند. این سه لایه را می‌توان در قالب گزاره‌های ذیل بازسازی کرد:

**گزاره توصیفی ۱:** در تعیین قیمت بنزین به بهایی کمتر از بهای آن در سایر کشورها، یارانه‌ای به میزان مابه‌التفاوت این دو قیمت به مصرف‌کننده پرداخت می‌شود.

**گزاره توصیفی ۲:** میزان بهره‌مندی افراد از این یارانه پنهان یکسان نیست؛ به‌گونه‌ای که ثروتمندان بیشتر از آن بهره‌مند می‌شوند. همچنین به واسطه ارزان بودن قیمت بنزین، مردم در مصرف آن اسراف می‌کنند.

**گزاره ارزشی:** بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان نسبت به فقرا از یارانه پنهان عادلانه نیست. اسراف و اتلاف منابع درست نیست. **گزاره تجویزی:** برای دستیابی به عدالت باید قیمت بنزین را به قیمت سایر کشورها و یا قیمت عمده صادراتی (فوب خلیج فارس) رساند و درآمد حاصل از آن را به صورت یارانه به دولت، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پرداخت.

هرچند گزاره اول، شکلی کاملاً توصیفی دارد، ولی در عمل حاوی نوعی قضاوت ارزشی نیز می‌باشد؛ اینکه مبلغ مازادی که مصرف‌کننده بنزین نمی‌پردازد را یارانه بدانیم، مستلزم چند امر است: اول اینکه باید بپذیریم، هزینه فرصت یک کالا می‌تواند قیمت عادلانه آن را تعیین کند؛ دوم نگرفتن مبلغی از فرد را هم در حکم گرفتن و پس دادن به او تلقی کنیم؛ به بیان دیگر، باید بپذیریم نگرفتن مبلغی از شما به مثابه دادن یارانه به شماست.

اثبات گزاره توصیفی دوم نیازمند مطالعه میدانی است؛ باید مطالعه کرد که افراد به صورت مستقیم و غیر مستقیم تا چه میزان بنزین مصرف می‌کنند. دسته‌بندی افراد از جهت درآمدی نیز لازم است تا مشخص کنیم که افراد با هر سطح مصرفی به کدام گروه درآمدی تعلق دارند و کدام گروه را باید از اقشار ثروتمند و کدام گروه را از اقشار فقیر در نظر گرفت.

گزاره ارزشی مطرح‌شده عملاً برداشتی از عدالت توزیعی دارد؛ بر اساس این برداشت، ثروتمندان نباید از یارانه پنهان یا تخفیف پنهان در قیمت‌گذاری بنزین بیشتر از فقرا بهره‌مند شوند. لازمه عدالت در این برداشت این می‌شود که بنزین به قیمت گران‌تر بر مبنای قیمت سایر کشورها و یا قیمت وارداتی تعیین شود و هیچ‌کس از تخفیف برخوردار نشود؛ اگر هم بخواهیم حمایتی بکنیم باید درآمد حاصل از گران کردن بنزین به اقشار ضعیف داده شود. در اینجا سؤالات متعددی مطرح می‌شود که چه کسانی در اینجا ثروتمند محسوب می‌شوند و چه کسانی فقیر؟ به بیان دیگر، به چه کسانی باید یارانه آشکار پرداخت کرد؟ سؤال دیگر اینکه وقتی قیمت را افزایش می‌دهیم، اقشار ثروتمند و حتی فقیر چه واکنشی نشان می‌دهند؟ آیا فرد ثروتمند محصول و کالای تولیدی‌اش را گران نمی‌کند؟ فرد فقیری که یارانه می‌گیرد، چه واکنشی نشان می‌دهد؟ اگر او راننده مسافرکش باشد و به او یارانه بدهیم، آیا او قیمت کرایه خودش را گران نمی‌کند؟ اگر بپذیریم که با افزایش قیمت بنزین، هزینه حمل و نقل بالا می‌رود و افراد در واکنش به این افزایش قیمت، محصولات و خدمات خود را گران می‌کنند؛ باید دید که سرجمع این افزایش قیمت با در نظر گرفتن یارانه توزیعی چه وضعیت رفاهی را ایجاد می‌کند؟ آیا واقعاً بهره‌مندی ثروتمندان از این وضعیت کمتر می‌شود و یا اینکه آنها نیز با افزایش قیمت محصولات یا خدمات خود منافع خود را تأمین می‌کنند.

برای پاسخ به سؤالات بالا باید توصیف، تبیین یا پیش‌بینی دقیقی از تغییرات رفاهی پس از افزایش قیمت بنزین و پرداخت یارانه داشته باشیم. با توجه به اینکه بنزین کالای کم‌کششی است، عملاً افراد نمی‌توانند واکنش زیادی به آن نشان بدهند به‌خصوص زمانی که کالاهای جانشین مانند حمل و نقل عمومی چندان در دسترس نباشد. در اینجا تحلیل هنجاری و تجویز دستوری مبتنی بر نوعی تحلیل اثباتی در مورد وضعیت قبل و بعد از اجرای سیاست است. در این مورد نیز این سؤال مطرح است که آیا می‌توان ترسیم دقیقی از وضعیت رفاهی قبل و بعد از اجرای گران‌سازی بنزین داشت؟

#### ۴. ارزیابی گزاره توصیفی تعلق یارانه پنهان

اولین گزاره نهفته در پس سیاست حذف یارانه پنهان انرژی، گزاره تعلق یارانه است. این گزاره را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:



گزاره توصیفی ۱: در تعیین قیمت بنزین به بهایی کمتر از بهای آن در سایر کشورها، یارانه‌ای به مصرف‌کننده داخلی (به میزان مابه‌التفاوت این دو قیمت، به میزان تفاوت قیمت داخلی / خارجی؛ قیمت داخلی / صادراتی یا قیمت داخلی / وارداتی) به مصرف‌کننده پرداخت می‌شود.

روح کلی این گزاره تعلق یارانه به مصرف‌کننده داخلی است، ولی اینکه چه میزان یارانه به او تعلق گرفته می‌تواند برداشت‌های مختلفی داشته باشد:

برداشت اول، مقایسه قیمت بنزین داخلی با قیمت بنزین در سایر کشورهاست. در این برداشت ممکن است کشورهای همسایه و غیر همسایه ملاک مقایسه قرار گیرد. این قرائت مبتنی بر نوعی مقایسه وضعیت رفاهی مردم دو کشور است. گاهی این مقایسه برای توجه به امکان قاچاق کالا بین دو کشور و بهره‌مندی قاچاقچیان از یارانه پنهان صورت می‌گیرد. در این حالت نوعی قیمت سایه برای قیمت داخلی در نظر گرفته می‌شود.

برداشت دوم، مقایسه قیمت بنزین داخلی با قیمت صادراتی است. این قرائت مبتنی بر منطق هزینه فرصت است. در واقع استدلال می‌شود که اگر ما بنزین را خودمان مصرف نمی‌کردیم و صادر می‌کردیم، این مقدار درآمد نصیب دولت می‌کرد. بر این اساس، مابه‌التفاوت قیمت بنزین داخلی و قیمتی که می‌توانستیم بنزین را صادر کنیم، یارانه پنهان خواهد بود.

برداشت سوم، مقایسه قیمت بنزین داخلی با قیمت وارداتی است. این قرائت نیز مبتنی بر نوعی منطق هزینه فرصت است. منطق مزبور این است که اگر می‌خواستیم به جای بنزین تولید داخل از بنزین خارجی استفاده کنیم، باید برای هر لیتر بنزین مثلاً ۴۰ سنت پرداخت می‌کردیم که هم اکنون کمتر از آن می‌پردازیم؛ پس به میزان تفاوت بین قیمت بنزین داخلی و قیمت بنزین وارداتی (به همراه هزینه حمل و نقل و توزیع آن) به مصرف‌کننده یارانه پرداخت می‌کنیم.

برداشت چهارم، مقایسه قیمت بنزین داخلی با قیمت تمام‌شده است. این برداشت مبتنی بر توجه به هزینه تولید یا هزینه تأمین است. ممکن است گفته شود که برای تولید داخلی بنزین بیش از ۳ هزار تومان هزینه می‌شود و یا برای وارد کردن بنزین از خارج بیش از این مقدار باید هزینه کنیم؛ پس مابه‌التفاوت قیمت دریافتی و هزینه تمام‌شده، یارانه پنهان خواهد بود.

در مورد گزاره توصیفی تعلق یارانه پنهان انرژی، چند اشکال تعریف نادرست از رانت و یارانه، وابستگی یارانه به نرخ ارز و سهم اندک بنزین در یارانه قابل طرح است.

#### الف. تعریف نادرست از رانت و یارانه

اعطای یارانه به معنای پرداخت کمک است؛ درحالی‌که یارانه مورد اشاره نوعی مفهوم انتزاعی از مقایسه دو قیمت است. تخفیف و دریافت بهای انرژی پایین‌تر از قیمت‌های جهانی است. این بدین معناست که ما در

مقابل عرضه انرژی به مردم بهایی کمتر از قیمت جهانی دریافت می‌کنیم. در این برداشت رانت به معنای هزینه فرصت (فاصله بین قیمت داخلی و مرزی / صادراتی) است؛ یعنی ما می‌توانستیم بنزین را، برای نمونه، به قیمت لیتری ۴۰ سنت صادر کنیم و به قیمت دلار ۲۸ هزار تومانی، ۱۱۲۰۰ تومان از محل صادرات آن درآمد کسب کنیم، ولی آن را به مردم لیتری ۳ هزار تومان می‌فروشیم؛ هزینه فرصت این اقدام یا عدم‌النفع حاصل از آن برای دولت ۸۲۰۰ تومان در هر لیتر بنزین است. این مفهوم از یارانه وابستگی زیادی به نرخ ارز دارد؛ با افزایش نرخ ارز هزینه فرصت انرژی افزایش می‌یابد و چنین به نظر می‌آید که ما به مردم یارانه بیشتری دادیم؛ در حالی که تغییری در وضعیت مردم ایجاد نشده است. در این برداشت از یارانه، قدرت خرید مردم نیز در نظر گرفته نمی‌شود، که در بندهای بعدی بدان اشاره می‌شود. البته در زمینه یارانه پنهان یا ضمنی تعاریف دیگری همچون هزینه تولید (فاصله بین هزینه تولید و قیمت فروش) و هزینه نسبی (فاصله بین قیمت کالاهای مشابه) نیز مطرح است که ممکن است در مورد برخی مصادیق انرژی صادق باشد.

#### ب. عدم اعتبار مالیات پنهان

یارانه پنهان مفهومی اعتباری است؛ ما با مقایسه قیمت داخلی و خارجی کالایی مانند بنزین، مابه‌التفاوت آن را یارانه می‌نامیم. یارانه در اصلاح مبلغی است که ما برای کمک به افراد می‌دهیم، ولی در اینجا این اصطلاح را به نوعی تخفیف ادعایی قیمتی اطلاق کردیم. می‌گوییم وقتی بنزین را به شما به قیمت ۳ هزار تومان می‌فروشیم و مثلاً به قیمت ۴۰ سنت (معادل ۲۰ هزار تومان به قیمت دلار ۵۰ هزار تومانی) نمی‌دهیم؛ گویا به شما ۱۷ هزار تومان روی هر لیتر بنزین یارانه داده‌ایم.

حال این سؤال مطرح است که چرا ما چیزی که یارانه نیست را یارانه تلقی می‌کنیم؟ یعنی مجوز ما برای این اعتبار چیست؟ ظاهراً مجوز این اعتبار این است که قیمت‌گذاری متفاوت از قیمت در سایر کشورها از نظر کارکردی مشابه قیمت‌گذاری به قیمت سایر کشورها به علاوه پرداخت یارانه آشکار است؛ یعنی اگر من قیمت بنزین را ۲۰ هزار تومان تعیین کنم و به مقدار ۱۷ هزار تومان به مصرف‌کننده یارانه آشکار بدهم، وضعیت مشابه با وضعیت کنونی دارد که در آن قیمت بنزین ۳ هزار تومان است و کسی از این ناحیه یارانه دریافت نمی‌کند.

اگر این اعتبار را بپذیریم، باید اعتبارهای دیگری را هم داشته باشیم؛ مثلاً نرخ دستمزد ایران در مقایسه با نرخ دستمزد در سایر کشورها بسیار پایین است؛ یعنی کارگر ایرانی در مقابل کارش مبلغ ناچیزی دریافت می‌کند. در این صورت هرچند ما از مصرف‌کننده داخلی برای هر لیتر بنزین ۲۰ هزار تومان نمی‌گیریم؛ ولی از آن طرف به او اتومبیل کم‌مصرف، حمل و نقل عمومی خوب و دستمزد کافی هم نمی‌دهیم. در اینجا می‌توانیم اعتبار دیگری به نام مالیات پنهان داشته باشیم. ما با تولید اتومبیل پرمصرف در حال گرفتن مالیات پنهان از مصرف‌کننده ایرانی می‌باشیم؛ همان‌طور که با عدم ارائه خدمات مناسب حمل و نقل عمومی از او مالیات پنهان می‌گیریم؛ چون او مجبور می‌شود

بنزین بیشتری بسوزاند؛ چراکه نه وسیله حمل و نقل عمومی جایگزینی دارد و نه درآمدی برای خریداری ماشین کم‌مصرف در اختیار دارد. ما با دادن دستمزد پایین نیز در حال گرفتن مالیات پنهان می‌باشیم؛ زیرا او نمی‌تواند مایحتاج خود را به شکل مناسبی تأمین کند؛ در خانه‌ای نامناسب سکنا می‌گزیند و سبد غذایی نامناسبی خواهد داشت.

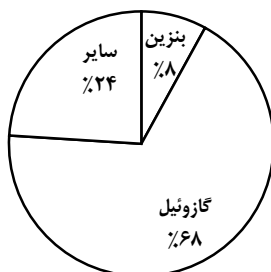
### ج. وابستگی یارانه به نرخ ارز

با توجه به تفاوت در واحد پول داخلی و خارجی، محاسبه یارانه پنهان وابستگی زیادی به نرخ ارز دارد. هنگامی که نرخ ارز بالا می‌رود، میزان یارانه پنهان نیز افزایش پیدا می‌کند. این در حالی است که با افزایش نرخ ارز، تفاوتی در سطح رفاهی افراد ایجاد نمی‌شود و تنها از نظر حسابداری فاصله بین قیمت داخلی و قیمت خارجی همان محصول افزایش پیدا می‌کند. اگر هم‌زمان با افزایش نرخ ارز، قیمت حامل‌های انرژی نیز افزایش یابد، و از این ناحیه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با تورم روبه‌رو شوند؛ از این ناحیه نیز آنان با کاهش رفاه روبه‌رو خواهند شد؛ مگر آنکه پس از گران‌سازی این محصولات یارانه‌ای نیز به افراد پرداخت شود. در این صورت تغییر وضعیت رفاهی وابسته به این است که میزان یارانه پرداختی تا چه میزان کاهش قدرت خرید در اثر تورم ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی را پوشش دهد.

### د. سهم کم‌بنزین در فرآورده‌های نفتی

سهم بنزین از مجموع فرآورده‌های نفتی مصرفی در کشور تنها ۸ درصد و سهم نفت‌گاز حدود ۶۸ درصد است. این بدان معناست که یارانه پنهان ادعایی در مورد بنزین سهم بسیار کوچکی دارد و بیشتر یارانه مزبور به سیستم حمل و نقل جاده‌ای (کامیون‌ها) تعلق می‌گیرد که این در واقع نوعی یارانه به حمل و نقل کشور است که باعث کنترل قیمت حمل و نقل و به تبع قیمت سایر کالاها و خدمات می‌شود (اقتصاد و پیمانه‌فروش، ۱۳۹۸، ص ۱۴). اگر ادعای مطرح‌شده در مورد یارانه پنهان صحیح باشد، باید ابتدا سراغ اقلامی مثل نفت‌گاز رفت؛ این در حالی است که تغییر قیمت این فرآورده نفتی علاوه بر گرفتن مزیت سوخت ارزان حمل و نقل کشور، تورم را به شدت افزایش خواهد داد.

شکل ۱: سهم بنزین از فرآورده‌های نفتی



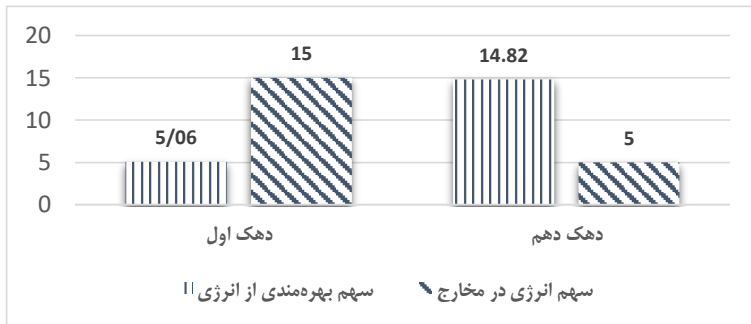
## ۵. ارزیابی گزاره توصیفی بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان و بیش مصرفی

گزاره دوم توصیفی، ارزیابی نسبت به بهره‌مندی افراد از یارانه پنهان و همچنین سطح مصرف حامل‌های انرژی دارد. ادعا می‌شود که: الف) ثروتمندان مصرف بیشتری از حامل‌های انرژی دارند و به تبع به میزان بیشتری از یارانه پنهان آن بهره‌مند می‌شوند؛ ب) مردم ایران نسبت به مردم سایر دنیا مصرف انرژی بالاتری دارند. گزاره توصیفی ۲: میزان بهره‌مندی افراد از این یارانه پنهان یکسان نیست؛ به گونه‌ای که ثروتمندان بیشتر از آن بهره‌مند می‌شوند؛ یا به واسطه ارزان بودن قیمت بنزین، مردم بیش مصرفی خواهند داشت.

### الف. سهم زیاد انرژی در مخارج دهک فقیر (قاعده ۱۵-۵)

به‌رغم آنکه سهم دهک اول فقیر از مصرف انرژی حدود ۵ درصد است، سهم آن در مخارج او ۱۵ درصد است، یعنی معیشت دهک اول به نسبت سایر دهک‌ها به مراتب وابستگی بیشتری به انرژی مصرفی دارد. در مقابل، هرچند سهم دهک دهم ثروتمند از انرژی حدود ۱۵ درصد است، سهم آن در مخارج او ۵ درصد است؛ یعنی معیشت او وابستگی کمی به این انرژی دارد. در نتیجه با افزایش قیمت انرژی فشار عمده به فقیرترین دهک و نه ثروتمندترین دهک می‌آید! (اقتصاد و پوله‌فروش، ۱۳۹۸، ص ۱۹).

شکل ۲: سهم بهره‌مندی دو دهک اول و دهم از انرژی و سهم آن در مخارج



منبع: اقتصاد و پوله‌فروش، ۱۳۹۸، ص ۱۰.

### ب. میزان مصرف انرژی در ایران

در مورد مصرف انرژی در ایران مقایسه‌های عجیبی صورت می‌گیرد. ادعا می‌شود که ایرانی‌ها در مقایسه با مردم سایر کشورها مصرف بالایی از انرژی دارند و آن را هدر می‌دهند. در بحث میزان مصرف انرژی معمولاً دو «شاخص سرانه مصرف انرژی»، یعنی میزان مصرف انرژی هر نفر در سال و «شاخص شدت مصرف انرژی»، یعنی میزان انرژی مصرف‌شده برای ایجاد یک واحد ارزش افزوده؛ مثلاً یک دلار، در تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود. شاخص اول به وضعیت مصرف انرژی و شاخص دوم به راندمان انرژی در تولید توجه دارد. در واقع شاخص شدت مصرف انرژی بیانگر انرژی مصرف‌شده برای تولید ناخالص داخلی و حاکی از بازده انرژی در تولید است. این شاخص به عنوان معیار کلی سنجش کارایی استفاده از انرژی به کار می‌رود.

علی‌رغم ادعاهای مطرح‌شده سرانه مصرف انرژی در ایران بالا نیست. سرانه مصرف انرژی در ایران حدود یک سوم امارات و کویت و نصف آمریکا و عربستان است. در شاخص شدت مصرف انرژی در ایران عنوان شده است که این شاخص بسیار پایین است؛ یعنی در ایران با استفاده از مقادیر واحد انرژی کالاها و خدمات کمتری تولید می‌شود. در مقام مقایسه این دو شاخص می‌تواند وضعیت متفاوتی داشته باشند. برای نمونه، شاخص سرانه مصرف انرژی ایران و آلمان و فرانسه تقریباً برابر است، ولی شاخص شدت مصرف انرژی آنها متفاوت است. یک آلمانی با مصرف انرژی برابر همتای ایرانی خود نزدیک به ۱۲ برابر کالا و خدمات تولید می‌کند و بدین ترتیب می‌توان گفت که شدت مصرف انرژی ایران ۱۲ برابر آلمان است، درحالی‌که سرانه مصرف انرژی در دو کشور تقریباً برابر است.

در مقایسه شاخص سرانه مصرف و شدت مصرف انرژی ایران با سایر کشورها باید به مسائل مختلفی توجه کرد: تفاوت در اقلیم، الگوی مصرف انرژی و توانمندی مردم از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، گاهی مصرف گاز ایران و چین مقایسه می‌شود و عنوان می‌شود که ایران چندین برابر چین گاز مصرف می‌کند؛ این در حالی است که چین مانند ایران گازکشی سراسری ندارد و مردم عمدتاً از برق استفاده می‌کنند.

مصرف انرژی کشورهای اروپایی بالاتر از ایران است. در ایران ائتلاف انرژی در فرایند تولید، تبدیل، انتقال و توزیع بالاست. اگر وضعیت مصرف‌کننده نهایی را محاسبه کنیم، مصرف انرژی هر ایرانی به شدت کمتر از بسیاری از کشورهای مشابه و غیر مشابه همسایه / غیر همسایه، هم‌قاره و غیر هم‌قاره است. شدت مصرف انرژی در کشورهای مختلف نمی‌تواند مساوی باشد. شاخص مزبور وابسته به اقلیم آب و هوایی، نوع فعالیت اقتصادی (صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی) است. بدین خاطر مقایسه شاخص شدت انرژی ایران با سایر کشورها مشکل است. کشورهای مانند آمریکا، چین، انگلستان و آلمان تنوع انرژی بالایی دارند و سهم زیادی از مصرف انرژی آنها از منبع انرژی‌های غیر فسیلی تأمین می‌شود. ایرانی‌ها در مقایسه با کشورهای هم‌تراز، نه سهمی از مصرف زغال‌سنگ دارند؛ نه سهمی از انرژی هسته‌ای؛ نه سهمی از انرژی هیدروالکتریکی و نه سهمی از انرژی تجدیدپذیر دارند. باید توجه داشت که انرژی ارزان مهم‌ترین روش حمایت دولت از بخش تولید در ایران است. از این رو هرگونه سیاست‌گذاری درباره تغییر این روش منوط به توجه به آثار افزایش قیمت انرژی بر بخش تولید است.

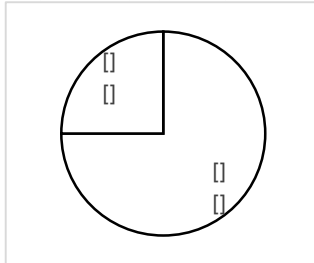
نکته‌ای که باید توجه داشت نرخ ارز مبنای تبدیل قیمت انرژی به واحد قابل مقایسه با سایر کشورهاست. این سؤال مطرح است که با چه نرخ ارزی باید ارزش دلاری انرژی مصرفی را محاسبه کرد. اگر نرخ ارز بالا برود، با فرض ثابت ماندن جمعیت، قاعدتاً باید مصرف سرانه انرژی کاهش بیابد، بدون اینکه تغییری در میزان مصرف اتفاق افتاده باشد. همچنین نرخ ارز مورد محاسبه برای تولید ناخالص داخلی نیز شاخص شدت مصرف انرژی را تغییر می‌دهد؛ اگر از تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید استفاده شود، شاخص شدت انرژی به میزان ادعایی نیست و حتی در مورد برخی از کشورها وضعیت ما بهتر است. برای نمونه، شدت مصرف

انرژی (مصرف انرژی برای تولید یک دلار تولید ناخالص داخلی) در عربستان در اکثر سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ حدود ۲۳،۲۳ درصد بیشتر از ایران بوده است. در همین دوره شدت انرژی ایران نسبت به ژاپن و ترکیه به ترتیب ۲،۱۵ و ۲،۲۵ برابر بوده است (محمدخانی، ۱۳۹۴، ص ۷).

### ج. غلبه یارانه تولید بر یارانه مصرف

بیش از سه چهارم (۷۵٪) یارانه ادعایی پنهان انرژی کشور به بخش تولید و غیر خانوار اختصاص دارد. این امر حاکی از آن است که «انرژی ارزان مهم‌ترین روش حمایت دولت از بخش تولید در ایران است. از این رو هرگونه سیاست‌گذاری درباره تغییر این روش منوط به توجه به تبعات و آثار افزایش قیمت انرژی بر بخش تولید است» (اقتصاد و پیمانه فروش، ۱۳۹۸، ص ۱۵۱). افزایش قیمت انرژی، بخش تولیدی را بر اصلاح الگوی مصرف خود توانمند نمی‌کند. تولیدکننده در شرایط رکودی کنونی یا مجبور به تعطیلی تولید می‌شود و یا ناچار به افزایش قیمت محصول خود می‌شود که هر دو به ضرر اقتصاد کشور است؛ یکی رکود و بیکاری را تشدید می‌کند و دیگری تورم را شعله‌ورتر می‌سازد.

شکل ۳: سهم تولید و مصرف از حامل‌های انرژی



منبع: اقتصاد و پیمانه فروش، ۱۳۹۸، ص ۱

### د. سهم ۳۳ درصدی نیروگاه‌ها در مصرف انرژی

در سال ۱۳۹۵، نیروگاه‌ها با ۳۳ درصد، بخش خانگی با ۲۴ درصد، بخش صنعت با ۲۱ درصد و بخش حمل و نقل با ۱۵ درصد به ترتیب بیشترین سهم در بهره‌مندی از انرژی را به خود اختصاص داده‌اند. کمترین سهم به بخش کشاورزی تعلق دارد. بنابراین نیروگاه‌های کشور بیش از بخش خانگی از انرژی بهره‌مند می‌شوند (اقتصاد و پیمانه فروش، ۱۳۹۸، ص ۱۲). این در حالی است که در استدلال‌های مطرح‌شده عمدتاً بخش مصرفی را متهم اتلاف و اسراف آن قلمداد می‌کنند.

شکل ۴: سهم بخش‌های مختلف در مصرف انرژی در ایران



منبع: اقتصاد و پیمانه فروش، ۱۳۹۸، ص ۷

## ه. اتلاف زیاد انرژی پیش از رسیدن به دست مصرف‌کنندهٔ نهایی

هم اکنون روزانه معادل یک میلیون بشکه نفت خام در بخش تولید و توزیع انرژی و پیش از رسیدن به دست مصرف‌کنندهٔ نهایی هدر می‌رود. این میزان هدر رفت انرژی تقریباً معادل صادرات روزانه نفت کشور است. به این رقم باید تلفات ناشی از عدم کنترل هدر رفتن گاز و سوختن آن در میادین نفتی را اضافه کرد. این تلفات در بخش عرضه‌کنندهٔ انحصاری دولتی اتفاق می‌افتد و ارتباطی به الگوی مصرف مردم ندارد. در این راستا، دولت باید اولویت را به اصلاح رفتار خود بدهد تا مردم نیز به تبعیت از دولت الگوی مصرف خود را اصلاح کنند.

## ۶. ارزیابی گزارهٔ ارزشی بی‌عدالتی توزیعی و ناکارآمدی تخصیصی (اتلاف منابع)

گزارهٔ ارزشی نهفته در ورای سیاست حذف یارانهٔ پنهان، گزاره‌ای حاکی از عدم مقبولیت بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان از یارانه و عدم مقبولیت اسراف و اتلاف منابع است. این مضمون در قالب گزارهٔ ذیل قابل بیان است:

**گزارهٔ ارزشی:** بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان نسبت به فقرا از یارانهٔ پنهان عادلانه نیست. اسراف و اتلاف منابع درست نیست.

در مورد درستی گزارهٔ حاکی از عدم مقبولیت اسراف و اتلاف منابع و همچنین عدم پذیرش اعطای یارانهٔ بیشتر به ثروتمندان تردیدی نیست، اما سؤال اساسی این است که آیا واقعاً ثروتمندان بیشتر از فقرا از منافع ناشی از عرضهٔ قیمت به بهای کنونی بهره‌مند می‌شوند؛ همچنین در صورت افزایش قیمت بنزین آیا وضعیت رفاهی فقرا بدتر نمی‌شود؟ در مورد اسراف و اتلاف منابع نیز سؤالی موضوعی مطرح است که آیا واقعاً مردم بنزین را اتلاف می‌کنند؟ در واقع سؤال در مورد گزاره‌های اثباتی یا توصیفی ضمنی نهفته در گزارهٔ ارزشی بالاست که آن را به صورت ذیل می‌توان بیان کرد:

- ثروتمندان بیشتر از فقرا از عواید قیمت‌گذاری بنزین به قیمت کنونی بهره‌مند می‌شوند.

- مردم در مصرف بنزین مرتکب اسراف و اتلاف منابع می‌شوند.

این دو گزاره با تردیدهایی روبه‌روست، اینکه ثروتمندان بیشتر از عواید قیمت‌گذاری کنونی بنزین بهره‌مند می‌شوند، حتمی نیست. گذشته از آنکه مشخص نیست که پس از افزایش قیمت بنزین، بهره‌مندی فقرا بیشتر از ثروتمندان شود. این گزاره نیز محل تردید است که مردم در مصرف بنزین مرتکب اسراف و اتلاف منابع شوند. وقتی آنها اتومبیل‌هایی در اختیار دارند که مصرف بالایی دارد و قادر به خرید اتومبیل کم‌مصرف نیستند؛ در این مورد نمی‌توان گفت که آنها مرتکب اسراف می‌شوند.

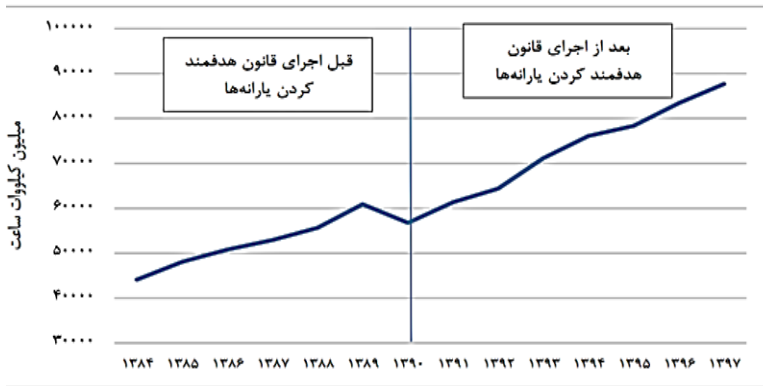
## ۷. ارزیابی گزارهٔ تجویزی آزادسازی قیمتی

در نهایت، گزارهٔ تجویزی در سیاست حذف یارانهٔ پنهان، آزادسازی قیمتی است. این گزاره را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

**گزاره تجویزی:** برای دستیابی به عدالت و کارایی باید قیمت بنزین را به قیمت سایر کشورها و یا قیمت عمده صادراتی (فوب خلیج فارس) رساند و درآمد حاصل از آن را به صورت یارانه به دولت، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پرداخت.

قضاوت در مورد اینکه آزادسازی قیمت بنزین عادلانه باشد، منوط به مقایسه دو وضعیت قبل و بعد از آزادسازی قیمت است. با توجه به یکسان نبودن توان ثروتمندان و فقرا به تورم ناشی از افزایش قیمت، به نظر می‌رسد که در نهایت فرد ثروتمند با تعدیل در قیمت کالاها و خدماتی که عرضه می‌کند، منافع خود را تأمین می‌کند؛ در مقابل فرد فقیر در نهایت متضرر خواهد شد. تجربه اجرای هدفمندی یارانه‌ها از دهه ۱۳۹۰ نیز نشان داده که این سیاست موفقیتی در کنترل مصرف نداشته است. همان‌گونه که در شکل ذیل مشاهده می‌شود، پس از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، مصرف برق بخش خانگی اندکی کاهش یافت، اما در ادامه مصرف بخش خانگی با شیبی تند افزایش یافت (ر.ک: بیات و دیگران، ۱۳۹۸؛ پیله‌فروش و اقتصاد، ۱۳۹۸).

شکل ۵: مصرف برق بخش خانگی قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها



منبع: بیات و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۴

## ۸. نظریه عدالت توزیعی یارانه تا نظریه قیمت‌گذاری عادلانه

هرچند در مورد یارانه پنهان بحث مستقیمی از عدالت در قیمت‌گذاری نمی‌شود، ولی به صورت ضمنی ادعایی در مورد عدالت مطرح می‌شود. گزاره نهفته در این موضوع آن است که قیمت‌گذاری بنزین باید بر اساس قیمت دلاری آن در سایر کشورها و یا قیمت دلاری صادراتی / وارداتی صورت گیرد. گزاره مزبور را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

**گزاره ارزشی نهفته:** قیمت عادلانه بنزین برابر با قیمت بنزین در سایر کشورها و یا قیمت صادراتی / وارداتی آن است. گزاره بالا نیازمند استدلال است. این سؤال مطرح است که چرا قیمت‌گذاری کالاها در داخل کشور باید بر اساس قیمت سایر کشورها و یا قیمت وارداتی تعیین شود؟ برای هر کدام از این دو شاخص تعیین قیمت استدلال‌های متفاوتی



قابل عرضه است. قیمت‌گذاری بر اساس قیمت سایر کشورها را ممکن است با این ادعا توجیه کنند که اگر قیمت کمتر از قیمت کشورهای همسایه باشد، کالای مزبور به این کشورها قاچاق می‌شود و عده‌ای به شکلی ناعادلانه از رانت تفاوت قیمت کالای داخلی و خارجی بهره‌مند می‌شوند.

**گزارهٔ پشتیبان ۱:** اگر قیمت بنزین بر اساس قیمت آن در کشورهای همسایه تعیین نشود، این محصول به آن کشورها قاچاق می‌شود و قاچاقچیان به شکلی ناعادلانه از رانت تفاوت قیمت داخلی و خارجی بهره‌مند می‌شوند. اگر قیمت داخلی با قیمت وارداتی مقایسه شود، ادعای مربوط به عدالت به شیوهٔ دیگری قابل فرمول‌بندی است. در این حالت ممکن است گفته شود که افراد از رانت مابه‌التفاوت قیمت داخلی و وارداتی به شکلی ناعادلانه بهره‌مند می‌شوند.

**گزارهٔ پشتیبان ۲:** اگر قیمت بنزین بر اساس قیمت وارداتی (فوب خلیج فارس) تعیین نشود، مصرف‌کنندگان بنزین از رانت مابه‌التفاوت قیمت داخلی و وارداتی بهره‌مند می‌شوند و چون توزیع این رانت ناعادلانه است؛ پس این قیمت‌گذاری ناعادلانه است.

### ارزیابی نظریهٔ عدالت زهفته در سیاست حذف یارانه پنهان

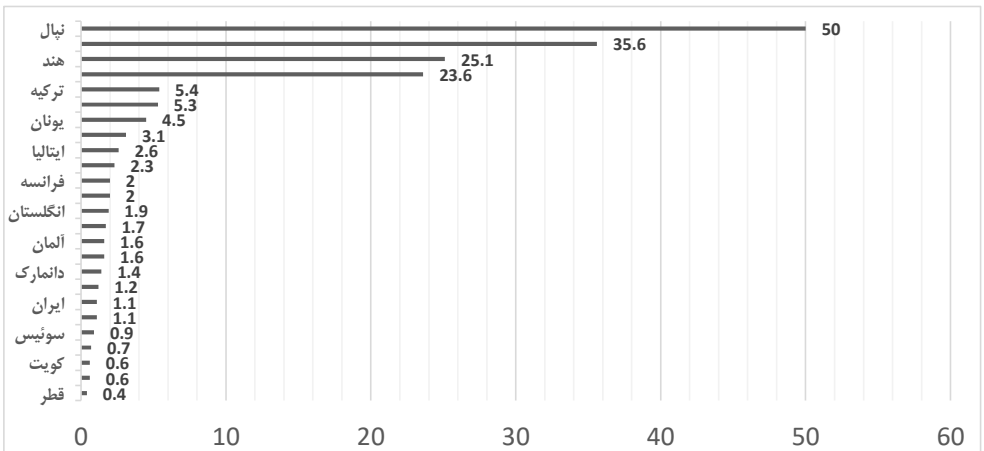
عدالت یکی از ارزش‌های محوری در اقتصاد اسلامی است. در رویکرد اسلامی عدالت به این مفهوم است که افراد بر اساس میزان استحقاقشان از کالاها و خدمات بهره‌مند شوند. عدالت مفهومی شامل و فراگیر دارد و همهٔ عرصه‌ها را شامل می‌شود؛ یکی از این عرصه‌ها عدالت در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تولیدی است. این سؤال مطرح است که در مقابل عرضهٔ یک کالا یا خدمت چه بهایی را می‌توانیم دریافت کنیم؟ این سؤال به صورت خاص در مورد کالاهای عرضه‌شده توسط دولت یا بخش عمومی مطرح است. برای نمونه، اگر دولت اقدام به فروش بنزین به افراد می‌کند، چه قیمتی باید برای محصول عرضه‌شده تعیین کند؟

در ادبیات اقتصادی، وقتی سخن از قیمت یا دستمزد عادلانه می‌شود، به‌طور معمول قیمت حاصل از عرضه و تقاضای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در یک بازار رقابتی، قیمت عادلانه قلمداد می‌شود. برخی نیز قیمت یا دستمزد عادلانه را مقداری می‌دانند که هزینه‌های تولید را پوشش دهد. هنگام بحث از یارانه پنهان، قیمت عادلانه در مقایسهٔ قیمت داخلی و خارجی آن کالا و خدمت تعیین می‌شود، یعنی گفته می‌شود که این کالا در سایر کشورها به فلان قیمت عرضه می‌شود و در کشور ما به قیمتی پایین‌تر عرضه می‌شود، و این مابه‌التفاوت رانتی است که مصرف‌کنندهٔ داخلی از آن بهره‌مند می‌شود؛ رانتی که از آن با عنوان یارانه پنهان یاد می‌شود.

در اقتصاد اسلامی، عدالت به مفهوم رعایت استحقاق است. عدالت بدین معناست که به هر صاحبِ حقی، حقش را بدهیم: «الْعَدْلُ هُوَ إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ» (سبزواری، بی‌تا، ص ۵۴). به بیان علامه طباطبائی، مراد از عدالت در آیات قرآن این است که هر فردی به آنچه استحقاق دارد برسد (طباطبائی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۳۳۱-۳۳۲). شهید صدر در تفسیر عدالت

توزیعی، منشأ استحقاق را کار و نیاز می‌داند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۵۳۰). عدالت در فضای قیمت‌گذاری نیز مقتضی آن است که قیمتی منصفانه تعیین شود که به هیچ طرفی فشار وارد نشود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلَيْكُنِ الْبَيْعُ بَيْنَا سَمْحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ اَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بر اساس بیان امیرالمؤمنین علیه السلام قیمت عادلانه قیمتی است که باعث اجحاف به فروشنده و خریدار نشود. علی‌رغم عدم پذیرش اولیه مداخله دولت در تعیین قیمت در بازار اسلامی، قیمت‌گذاری نباید بی‌ضابطه باشد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۴۳؛ موسویان و بهاری قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹؛ حسینی، ۱۳۸۴، ص ۸۰). به نظر امام خمینی علیه السلام هر چند قیمت‌گذاری در ابتدا جایز نیست، ولی «اگر فروشنده اجحاف کند، مجبور می‌شود که قیمت را کاهش دهد؛ وگرنه حاکم شرع او را ناچار می‌کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاح‌دید حاکم بفروشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۰۶). در بیان ایشان، تصریح شده است که قیمت کالا باید با قیمت سرزمین مورد بررسی هماهنگ باشد. بنا به استدلال شهید صدر، یکی از وظایف دولت اسلامی این است که نگذارد قیمت کالاها و خدمات از قیمت حقیقی خود فاصله بگیرد (ر.ک: صدر، ۱۳۸۲).

اینکه مقتضای عدالت در قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی را تعیین قیمت بر اساس بهای آن در سایر کشورها بدانیم، محل تأمل است و با قیمت سرزمینی و واقعی هماهنگ نیست. مشخص نیست که چرا قیمت این حامل‌ها باید بر اساس قیمت آن در سایر کشورها تعیین شود. گذشته از اینکه اگر مبنای قیمت‌گذاری انرژی بر اساس قیمت سایر کشورها را بپذیریم، این منطقی در مورد سایر کالاها و خدمات نیز صادق است. بر این اساس، باید دستمزدی که افراد در داخل می‌گیرند نیز به میزان دستمزد در کشور مورد مقایسه تعیین شود. ولی از آنجاکه امکان تعدیل دستمزد کارگر ایرانی با دستمزد پرداختی به کارگر خارجی نیست، نمی‌توان قیمت‌گذاری بنزین بر اساس قیمت‌های کشور دیگر باشد، ولی دستمزد مطابق آن نباشد. اتفاقاً وقتی نسبت قیمت بنزین و دستمزد در کشورها را مقایسه می‌کنیم، تفاوت محسوسی بین این نسبت در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر ندارد و حتی در برخی موارد وضعیت در آن کشورها بهتر از ایران است. شکل ۶: سهم هزینه ۴۰ لیتر بنزین از متوسط درآمد ماهیانه خانوار (درصد)



با توجه به شکل ۶ یک ایرانی با یک درصد درآمد ماهیانه‌اش ۴۰ لیتر بنزین (لیتری ۱۵۰۰ تومان) خریداری می‌کند. در برخی کشورها مانند آمریکا، کویت و امارات، افراد با اختصاص درصد کمتری از درآمد ماهانه‌شان همین مقدار بنزین دریافت می‌کنند. برخی کشورها مانند کانادا و نروژ وضعیتی مشابه ایران دارند؛ در برخی از کشورها نیز وضعیت بدتر از ایران است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود یک فرد آمریکایی برای خریداری ۴۰ لیتر بنزین، ۶ دهم درآمد ماهانه خود را پرداخت می‌کند؛ درحالی‌که شهروند ایرانی حدود یک درصد درآمدش را پرداخت می‌کند.

علاوه بر اینکه برای قضاوت در مورد عدالت باید دید که وضعیت پس از اعمال سیاست حذف یارانه پنهان چگونه خواهد شد. با توجه به تفاوت در قدرت واکنش افراد به افزایش قدرت انرژی، وضعیت اقشار ضعیف پس از اعمال سیاست بهتر نخواهد شد؛ اگر بدتر نشود. در این صورت نمی‌توان این نوع قیمت‌گذاری را عادلانه دانست. همان‌گونه که بیان شد، سهم انرژی در مخارج دهک اول ۱۵ درصد و در مخارج دهک دهم ۵ درصد است.

این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که پرداخت یارانه از محل گران‌سازی انرژی نمی‌تواند مشکلات در عدالت توزیعی را به صورت کامل برطرف کند. در واقع، یارانه پرداختی از محل گران‌سازی حامل‌های انرژی نوعی یارانه خودتخریبگر است؛ اساساً با ایجاد تورم که خود منشأ بی‌عدالتی است، نمی‌توان عدالت را ایجاد کرد. تجربه دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که با اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها که نام واقعی آن سیاست گران‌سازی انرژی است، هرچند در ابتدا ضریب جینی و نابرابری کاهش یافت، ولی در ادامه ضریب جینی و میزان نابرابری و شکاف طبقاتی به‌واسطه تورم ناشی از اجرای سیاست افزایش یافت. همان‌گونه که بیان شد، هم اکنون قدرت خرید یارانه ۴۵ هزار تومانی پرداختی به کمتر از یک بیستم کاهش یافته است.

عدالت در قیمت‌گذاری در اقتصاد اسلامی هنگامی برقرار است که افراد بتوانند در مواجهه با این نوع قیمت‌گذاری واکنش مناسب داشته باشند. به نظر می‌رسد که با آزادسازی قیمت انرژی و قیمت‌گذاری آن بر اساس قیمت سایر کشورها به صورت دلاری، با مشکل ناتوانی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به این سیاست روبه‌رو می‌باشیم؛ امری که صدق عدالت را بر این سیاست مخدوش می‌کند:

**الف) ناتوانی صنایع در واکنش به افزایش قیمت انرژی:** انرژی یک کالای مصرفی همانند پفک نمکی نیست، بلکه یک کالای مصرفی اساسی و یک نهاده تولید است. گران کردن این کالا نه تنها هزینه‌های تولید را به شدت افزایش می‌دهد، بلکه بسیاری از صنایع کشور را که یکی از مزیت‌های اصلی آنها بهره‌مندی از انرژی ارزان است، دچار مشکل خواهد کرد. با توجه به مشکلات ناشی از رکود اقتصادی به‌خصوص در شرایط کرونا، صنایع قادر نیستند فناوری خود را برای کاهش مصرف انرژی اصلاح کنند و ناچار یا باید تولید خود را تعطیل کنند و یا محصولات خود را گران کنند؛ هر دو گزینه باعث بروز مشکلات زیادی برای تولید داخلی خواهد شد.

**ب) ناتوانی خانوارها در واکنش به افزایش قیمت انرژی:** عمده خانوارها نیز نمی‌توانند در شرایط سخت اقتصادی کنونی و نرخ تورم بالا اقدام به اصلاح رفتار خود در زمینه مصرف انرژی کنند. آنها نمی‌توانند با یارانه پرداختی خودروی خود را به خودروی کم‌مصرف تبدیل کنند؛ در بسیاری از مناطق کشور وضعیت حمل و نقل عمومی نیز مطلوب نیست و مردم نمی‌توانند آن را جایگزین استفاده از وسیله شخصی خود کنند. با افزایش قیمت انرژی هزینه‌های حمل و نقل نیز زیاد می‌شود و باز استفاده از این خدمات برای اقشار محروم عملاً مشکل‌تر خواهد شد. خانوارهای دهک‌های پایین و متوسط حتی توان این را هم ندارند که منازل خود را عایق‌بندی کنند و پنجره دوجداره نصب کنند؛ بدین صورت آنها توان کمی برای کاهش مصرف انرژی مصرفی در منازل خود دارند (بیات و دیگران، ۱۳۹۸).

**ج) افزایش کسری بودجه دولت:** یکی از قربانیان تورم ناشی از سیاست گران‌سازی انرژی، خود دولت و مخارج جاری و عمرانی آن است. حذف یارانه پنهان انرژی با ایجاد تورم، کسری بودجه را از دو طریق کاهش درآمد واقعی مالیاتی (اثر تانزی) و افزایش هزینه‌های دولت (اثر پاتینکن) افزایش می‌دهد. کاهش درآمد واقعی مالیاتی به دلیل پایین بودن کسش قیمتی مالیاتی و وجود وقفه‌های مالیاتی رخ می‌دهد (با تورم ۱۴ درصدی ۲۰ درصد ارزش مالیات کاهش می‌یابد). افزایش هزینه‌های دولت نیز به دلیل بالا بودن کسش قیمتی هزینه‌های دولت و سهم بالای هزینه‌های جاری دولت به وقوع می‌پیوندد (تورم ۸ درصدی باعث افزایش ۱۱ درصدی مخارج دولت) (فرزین‌وش و همکاران، ۱۳۸۲).

**د) عدم اثربخشی سیاست افزایش قیمت انرژی در کاهش مصرف:** سیاست حذف یارانه پنهان انرژی و به تبع گران کردن انرژی (۷ برابر کردن قیمت انرژی در سال ۱۳۹۸ با اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها) نتوانست به هدف کاهش مصرف انرژی در کشور دست یابد؛ زیرا خانوارها و تولیدکننده‌ها به دلایل مشکلاتی همچون در دسترس نبودن فناوری‌های کاهنده مصرف و مشکلات مالی، قادر به اصلاح مصرف خود نبوده و اثر سیاست تنها در افزایش هزینه تولید و کاهش تولید ظاهر شده است. بررسی مصرف برق پیش از هدفمندسازی یارانه‌ها و بعد از آن حاکی از عدم موفقیت این سیاست در کاهش مصرف بوده است. بر عکس پس از اجرای این سیاست مصرف برق افزایش یافته است (بیات و دیگران، ۱۳۹۸).

هنگام ارزیابی عدالت و کارایی سیاست حذف یارانه پنهان انرژی باید تمامی هزینه‌های اعمال سیاست را مورد توجه قرار داد. یکی از هزینه‌هایی که کمتر بدان توجه می‌شود، هزینه‌های اجتماعی آن است. هنگام تصمیم در مورد قیمت‌گذاری محصولات استراتژیکی؛ مانند بنزین باید به تبعات اجتماعی آن نیز توجه کرد. این امر مقوله‌ای است که در سیاست‌های تعدیل ساختاری و شوک‌درمانی مورد پیشنهاد نهادهایی همچون صندوق بین‌المللی پول مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اجرای این سیاست‌ها در کشورهایی همچون شیلی، اندونزی

و فیلیپین، مشکلات فراوانی همچون افزایش شکاف طبقاتی و ناآرامی‌های اجتماعی در پی داشته است. اجرای این سیاست‌ها در شیلی باعث ایجاد تورم ۳۷۵ درصدی شد. نمونه اخیر این مشکل در قزاقستان اتفاق افتاد که در پی حذف یارانه گاز مایع، آشوب‌های وسیع اجتماعی رخ داد. جوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصادی سال ۲۰۰۱ به‌واسطه مخالفت با این سیاست‌ها از صندوق بین‌المللی پول کنار گذاشته شد. وی نتایج این سیاست‌ها را در کتاب *جهانی‌سازی و مسائل آن* بسط داده است (استیگلیتز، ۱۳۸۲). همچنین نائومی کلاین در کتاب *دکترین شوک* پرده از مشکلات شوک‌درمانی در آمریکای لاتین و شرق آسیا برمی‌دارد. حسین نمازی (۱۳۹۵) وزیر وقت اقتصاد بین سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰، در تحلیل آسیب‌شناسانه اقتصاد ایران، نسبت به اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و شوک‌درمانی در ایران از بودجه سال ۱۳۷۸ و برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۱) به بعد هشدار داده است. اجرای این سیاست‌ها در کشور طی سه دهه اخیر نه تنها باعث بهبود کارایی و کاهش مصرف انرژی در کشور نشده، بلکه توزیع درآمد را نیز ناعادلانه‌تر کرده و موجب افزایش ضریب جینی و شکاف طبقاتی شده است.

## نتیجه‌گیری

رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره بر ضرورت تحقق عدالت توزیعی تأکید کرده‌اند. ایشان در نخستین دیدار با هیئت دولت سیزدهم، بر لزوم عدالت در توزیع امکانات کشور تأکید کردند. معظم‌له، با اشاره به ادعاهای مطرح‌شده در مورد یارانه پنهان انرژی، تحقیق در مورد آن و برنامه‌ریزی برای کاهش فاصله طبقات محروم با طبقات برخوردار را ضروری دانستند. در این زمینه این سؤال مطرح است که آیا سیاست‌هایی همانند حذف یارانه پنهان بنزین باعث عادلانه‌تر شدن توزیع امکانات کشور می‌شود؟

پاسخ به سؤال بالا منوط به موضوع‌شناسی دقیق یارانه پنهان حامل‌های انرژی و تعیین لازمه عدالت در قیمت‌گذاری آن است. سیاست پیشنهادی حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی از جمله بنزین مبتنی بر این برداشت از عدالت است که قیمت عادلانه بنزین قیمتی است که برابر با قیمت آن در سایر کشورها و یا قیمت بنزین وارداتی باشد. این ادعا، از جهات مختلفی مخدوش است. این منطق را می‌توان برای همه کالاها و خدمات مطرح کرد. اگر بنا به برابری داخلی و خارجی باشد، دستمزد نیروی کار داخلی نیز باید برابر با دستمزد در کشورهای دیگر باشد که در این زمینه نیز عدالت برقرار شود؛ اقدامی که دستیابی بدان عملاً امکان‌پذیر نیست.

بر اساس تحلیل ارائه‌شده در مقاله، سیاست پیشنهادی حذف یارانه پنهان مبتنی بر دو گزاره توصیفی، یک گزاره ارزشی و یک گزاره تجویزی است. سیر استدلال در این زمینه به شرح ذیل است:

گزاره توصیفی تعلق یارانه پنهان: در تعیین قیمت بنزین به بهایی کمتر از بهای آن در سایر کشورها، یارانه‌ای به میزان مابه‌التفاوت این دو قیمت به مصرف‌کننده پرداخت می‌شود.

گزاره توصیفی بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان: میزان بهره‌مندی افراد از این یارانه پنهان یکسان نیست؛ به‌گونه‌ای که ثروتمندان بیشتر از آن بهره‌مند می‌شوند. یا به‌واسطهٔ ارزان بودن قیمت بنزین، مردم در مصرف آن اسراف می‌کنند. گزارهٔ ارزشی بی‌عدالتی توزیعی و اتلاف منابع: بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان نسبت به فقرا از یارانهٔ پنهان عادلانه نیست. اسراف و اتلاف منابع درست نیست.

گزارهٔ تجویزی آزادسازی قیمتی: برای دستیابی به عدالت باید قیمت بنزین را به قیمت سایر کشورها و یا قیمت عمدهٔ صادراتی (فوب خلیج فارس) رساند و درآمد حاصل از آن را به صورت یارانه به دولت، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پرداخت.

این گزاره‌ها از جهات مختلف مخدوش و مورد تأمل است. گزارهٔ توصیفی تعلق یارانهٔ پنهان با مشکل تعریف نادرست از یارانه مواجه است. گذشته از آنکه باید در کنار یارانهٔ پنهان، مالیات پنهان را نیز مطرح کرد. هرچند دولت برای هر لیتر بنزین به مصرف‌کنندهٔ داخلی مبلغی از مصرف‌کنندهٔ داخلی نمی‌گیرد، ولی در مقابل به او امکان بهره‌مندی از ماشین‌کم مصرف، حمل و نقل عمومی مناسب و دستمزد مکفی را نیز نمی‌دهد؛ یعنی همان‌گونه که به او یارانهٔ پنهان داده می‌شود، از او مالیات پنهان نیز گرفته می‌شود. گزارهٔ توصیفی بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان با مشکل تشخیص و مقایسهٔ وضعیت قبل و بعد اجرای سیاست مواجه است. سهم زیاد هزینهٔ انرژی در سبد دهک‌های فقیر، غلبهٔ یارانهٔ تولید بر مصرف از جمله مشکلات مرتبط با این محور است. گزارهٔ ارزشی بی‌عدالتی توزیعی و ناکارآمدی تخصیصی نیز با مشکل تعریف نادرست از عدالت و بهینگی تخصیص روبه‌رو است. گزارهٔ تجویزی آزادسازی قیمتی نیز با مشکل ناسازگاری با مفهوم درست عدالت دارد.

در بیانی کلی، سیاست حذف یارانهٔ پنهان متکی بر این نظریهٔ پنهان است که کالاها و خدمات داخلی باید بر اساس قیمت آن در سایر کشورها و یا هزینهٔ فرصت صادرات قیمت‌گذاری شود تا عادلانه باشد. این منطق از جهات مختلف مخدوش است: اینکه مقتضای عدالت در قیمت‌گذاری، قیمت‌گذاری بر اساس قیمت سایر کشورها باشد منطقی ندارد؛ عدالت در قیمت‌گذاری مستلزم رعایت منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است؛ همچنین اگر این منطق را بپذیریم این امر باید در مورد سایر کالاها و خدمات نیز مطرح شود؛ بر این اساس، دستمزد کارگران نیز باید بر اساس دستمزد در سایر کشورها تعیین شود. از آنجاکه تحقق این امر عملاً امکان‌پذیر نیست، نمی‌توان اجرای آن تنها در مورد یک کالا را پذیرفت.

با توجه به اینکه ۷۵ درصد انرژی در بخش تولید کشور مصرف می‌شود و انرژی ارزان از دیرباز یکی از مزیت‌های صنعت و کشاورزی کشور بوده و می‌باشد، سیاست حذف یارانه انرژی (گران‌سازی انرژی)، باعث افزایش هزینه تولید، کاهش تولید، کاهش صادرات و افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. هرچند سهم دهک اول فقیر از مصرف انرژی ۵ درصد و سهم دهک دهم ثروتمند ۱۵ درصد است؛ اما هزینه انرژی سهمی ۱۵ درصدی در مخارج دهک اول و سهمی ۵ درصدی در مخارج دهک دهم دارد. با توجه به سهم بالای انرژی در مخارج دهک‌های فقیر، پرداخت یارانه تورمی خودتخریبگر قادر به خنثا کردن آثار تورمی این سیاست بر اقشار ضعیف نخواهد بود؛ گذشته از اینکه یارانه پرداختی در اندک زمانی ارزش خود را از دست خواهد داد. پرداخت یارانه‌ای به تحقق عدالت توزیعی کمک می‌کند که نه از محل ایجاد تورم (هم تورم ناشی از فشار هزینه تولید و هم تورم ناشی از فشار تقاضا)، بلکه از محل دریافت مالیات پرداخت شود. در واقع، «پرداخت یارانه تورمی خودتخریبگر» نوعی «دریافت مالیات تورمی از فقرا» است؛ زیرا در مقابل پرداخت یارانه، مقادیر بیشتری بر هزینه‌های دریافت‌کنندگان آن افزوده می‌شود؛ و نتیجه سیاست نه تنها بهبود عدالت نیست، بلکه حتی ممکن است وضعیت را بدتر کند.

## منابع

نهج البلاغه.

استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). جهانی سازی و مسائل آن. ترجمه حسن گلریز. تهران: نشر نی.

اقتصاد، امیرسامان و پیله فروش، میثم (۱۳۹۸). درباره یارانه انرژی در ایران؛ یارانه پنهان و ملاحظات آن. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

بیات، حسین و دیگران (۱۳۹۸). درباره یارانه انرژی در ایران؛ تصویر مصرف برق در بخش خانگی. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

پیله فروش، میثم و اقتصاد، امیرسامان (۱۳۹۸). درباره یارانه انرژی در ایران؛ ارزیابی عملکرد قانون هدفمند کردن یارانه ها. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

حسینی، سیدرضا (۱۳۸۴). قیمت گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد. جستارهای اقتصادی، (۲)۴، ۸۰-۱۱۱.

حسینی، سیدعقیل و دیگران (۱۳۹۹). تحلیل فقهی - اقتصادی قیمت و قیمت گذاری (تسعیر) با تکیه بر دیدگاه علامه حلی. معرفت اقتصاد اسلامی، (۲)۱۱، ۱۴۳-۱۵۴.

فرزینوش، اسدالله، اصغرپور، حسین و محمودزاده، محمود (۱۳۸۲). بررسی اثر تورم بر کسری بودجه از بعد هزینه ای و درآمدی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، (۳)۳۸، ۱۱۵-۱۵۰.

دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۹). یارانه ها، اختلال های قیمتی ناکارایی های نهادی - ساختاری. رفاه اجتماعی، (۳۸)۱۰، ۳۲۸-۲۹۳.

سبزواری، ملاهادی (بی تا). شرح الاسماء الحسنی. نرم افزار نورالجنان.

شاهمردادی، اصغر و مهرآرا، محسن (۱۳۸۹). آزادسازی قیمت حامل های انرژی و آثار آن بر رفاه خانوار و بودجه دولت از روش داده - ستانده. پژوهش های اقتصادی ایران، (۴۹)۱۴، ۱-۲۴.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۲). الاسلام یقود الحیاة. تهران: دارالصدر.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ق). اقتصادنا. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۱ق). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: اسوه.

کلاین، نائومی (۱۳۸۹). دکترین شوک ظهور سرمایه داری فاجعه. ترجمه مهرداد شهبایی و میرمحمد نبوی. تهران: آمه.

محمدخانی، محمدرضا (۱۳۹۴). ابهام در آمارهای شدت انرژی و مقایسه ایران با کشورهای جهان گزارش ۱. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

منظور، داود و دیگران (۱۳۸۹). بررسی اثرات حذف یارانه آشکار و پنهان انرژی در ایران مدل سازی تعادل عمومی محاسبه پذیر بر مبنای ماتریس داده های خرد تعدیل شده. مطالعات اقتصاد انرژی، (۲۶)۷، ۲۱-۵۴.

موسویان، سیدعباس و بهاری قراملکی، حسن (۱۳۸۹). ضوابط قیمت گذاری از منظر فقه امامیه. معرفت اقتصادی، (۲)۱، ۱۰۹-۱۳۶.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۶). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نمازی، حسین (۱۳۹۵). تحلیلی از شرایط اقتصادی کشور و راهکارهای پیشنهادی. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.